

سنت حسنه محمدی «اعتکاف» از برجسته ترین مراسم بعدی است که نهایت بندگی و خضوع انسان در پیشگاه ربوبی رابه نمایش می گذارد و معارف فراوانی؛ از اعم از احکام، اسرار، فضایل و آثار معرفتی و تربیتی را در خود جای داده است. این سنت حسنه به برکت نهضت امام راحل «ره» از محدوده عده ای از علما و فضلا حوزه علمیه در مسجد امام حسن عسکر «ع» قم، تبدیل به فرهنگ عمومی به ویژه میان نسل جوان شده است، هم اکنون پس از نفوذ این عبادت جامع به درون لایه های مختلف جامعه اسلامی فرصت آن فراهم آمده است تا به سرپنجه توانای هنر و ادب در تاریخ و فرهنگ ایران اسلامی ماندگار شود. اشاره مقام معظم رهبری «مدظله العالی» در سال گذشته به اهالی شعر و ادب مبنی بر سرودن اشعار توحیدی و معرفتی، هدایتگر ستاد مرکزی اعتکاف شد تا ابتکار اولین جشنواره سراسری فرهنگی هنری اعتکاف را در چهار محور: شعر، قطعه ادبی، داستان و خاطره دنبال کند. اما فراگیری اعتکاف در بین اقشار مختلف و عمق معارف آن باعث شد تعداد فزاینده ای بالغ بر یک هزار و ششصد اثر روانه دبیرخانه شود، که برخی از این آثار جزء ادبیات فاخر دوران معاصر خواهند بود.

حضور مبارک حکیم، فقیه و مفسیر فرزانه؛ حضرت ایت الله العظمی جوادى آملی در مراسم تجلیل از برگزیدگان آثار، دلیل متقنی بر تأیید این اقدام ارزنده است و البته سخنان حکیمانه ایشان راهگشای روشنی برای تمامی مجریان اعتکاف، معتکفان، هنرمندان و نویسندگان خواهد بود.

نوشتار حاضر برای استفاده بیشتر علاقه مندان از سخنان معظم له به همت پژوهشگاه علوم و حیانی معارج و چاپخانه اسراء تنظیم و فراهم آمده است، که سپاسگزار لطف ایشان هستیم.

براساس «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» شکرگزار حمایت نهادهای مختلف فرهنگی کشور در هم افزایی این موهبت آسمانی هستیم و امیدواریم تلاش خالصانه همه خدمتگزاران مقبول درگاه قدس ربوبی حق و موجب رضایت حضرت حجه بن الحسن قرار گیرد.

«اعتکاف» از ماده «عکوف» وبه معنای روی آوردن به چیزی یا کاری، همراه گریاش، گرنش و بزرگداشت آن، ملازمت و مواظبت بر آن و منصرف نشدن از آن است.^۱ اعتکاف، عملی عبادی و از برجسته ترین مقام های بندگی در پیشگاه الهی است که با آداب و سنن ویژه خود انجام می گیرد و هنگامی صحیح، مشروع و سازنده است که تنها برای ذات اقدس الهی باشد.

کسی که با طهارت وارد مسجد می شود، روزه می گیرد و قصد می کند که قربةً الی الله اعتکاف کند، این خودش عبادتی مستقل^۲ است؛ نه اینکه اعتکاف شرط و مقدمه برای عبادتی دیگر باشد.

اعتکاف به لحاظ مکان و جای انجام دادن آن، حتی بر نماز هم برتری دارد، چرا که اعتکاف تنها در مسجد است؛ ولی نماز را در غیر مسجد نیز می توان اقامه کرد. معارف بلند اعتکاف مانند اسرار، احکام، فضایل، آثار و ویژگی های آن که در آیات، روایات و کلام بزرگان دین یاد شده فراوان اند. در این گفتار کوتاه، به برخی از ویژگی ها و آثار سازنده و نتیجه آن اشاهر می شود.

ویژگی های اعتکاف

در احکام الهی هم عبادت شبانه هست - نظیر وقوف در مشعر و بیتوته در منا - و هم عبادت روزانه - مانند وقوف و ماندن در عرفات و روزه داری - امام عبادت تلفیقی شبانه و روزانه، به گونه ای که مکلف پیوسته در عبادت برسر ببرد و کاری که در شب بر او واجب باشد، در روز هم واجب باشد و کاری که در شب حرام باشد، در روز هم حرام باشد، جز عبادت اعتکاف نیست که مجموعه ای از چند عبادت است و ویژگی آن، خاص است و در بسیاری از عبادات نیست.

۱ - مقائیس اللغة، ماده عکف. ر.ک: تسنیم، ج ۵، ص ۵۳۸.

هر چند روزه داشتن، یکی از ارکان اعتکاف است، اعتکاف نظیر روزه داری ماه مبارک رمضان نیست که واجبات و محرمات آن برای روزه دار تنها در روز باشد و در شب حلال شود و روزه دار شب ها فارغ باشد.

درست است معتکف با فرارسیدن مغرب، روزه را افطار می کند؛ ولی همچنان در حال اعتکاف است و همه محرمات اعتکاف، در شب هم براو حرام اند.

اعتکاف، ترکیبی از نماز، روزه، حج و عمره است و آثار و برکات آن ها را دارد. در روایت معروف «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ...»^۱ نماز و روزه، زکات، حج و ولایت از مبانی پنج گانه اسلام شمرده شده که بخش وسیعی از این مبانی پنج گانه در اعتکاف دیده می شوند. اکنون به صورت کوتاه به حضور این اعمال در اعتکاف، به ترتیب اشاره می شود.

1- نماز که ستون دین است و جای سجده آن باید پاک باشد، در اعتکافی حضور دارد که جای پاک آن، فقط باید مسجد باشد.^۲

2- روزه که «جَنَّةٌ مِنَ النَّارِ»^۳ یعنی سپر آتش است، با همه جلال و شکوهش شرط اعتکاف به شمار می آید و به جایگاه اعتکاف نمی رسد.

وضو گرفتن عبادت است؛ اما به جایگاه نماز نمی رسد؛ بدین جهت، مقدمه و شرط نماز است.

3- بسیاری از اعمال حج و عمره در اعتکاف دیده می شوند:

أ. احرام که وصف مُحَرَّمَانِ حج و عمره است، آثارش در اعتکاف هست. خرید و فروش، استفاده از طیب و بوی خوش، لمس و مس همسر و آمیزش با او در حال احرام، همگی

^۱ - الکافی، ج ۲، ص ۱۸.

^۲ - گفتنی است؛ نماز ستودن دین نامیده شده است: «الصلاة عمود الدين» (الأمالی، طوسی، ص ۵۲۹) و ستون برپا داشتنی است نه خواندنی، به همین جهت در هیچ جای قرآن یا روایات نامیده که نماز بخوانید، آن دینی که می گوید: الصلاة عمود الدين، همان دین می گوید: «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (سوره بقره آیه ۴۳) نماز را اقامه کنید، اگر می گفت نماز ستون دین است و سپس می گفت نماز بخوانید، این ناهمگ بود، چون قرآن کتاب حکیم است (والقرآن الحکیم) (سوره یس، آیه ۲) و دین، دین حکمت و عقل است؛ پس حرف هایشان باید هماهنگ باشد.

^۳ - الکافی، ج ۴ ص ۶۲.

حرام اند، چنان که بیشتر فقیهان به حرام بودن این کارها در حال اعتکاف، فتوا داده اند. این ها آثار حج و عمره هستند که اعتکاف دیده می شوند.

ب. اعمال مشعر و منا و عرفات که اساساً وقوف و ماندن است، آثارشان در اعتکاف دیده می شوند؛ عرفات، برنامه روزانه است؛ بیتوته در منا عمل شبانه است؛ ذبح و قربانی در منا روزانه است؛ همه این وقوف ها در اعتکاف به صورت عبادی به هم پیچیده شبانه روزی وجود دارند.

ج. آثار ولایت هم در اعتکاف مشهود است.

سازندگی اعتکاف

تأثیر اعتکاف در ساختن انسان تردید ناپذیر است و برای روشن شدن این اثر شایسته است به سه نکته مسافر بودن انسان، توشه لازم این سفر و توصیه اعتکاف اشاره ای شود.

مسافر بودن انسان

قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»^۱ یعنی تو سالکی و کادحی، با تلاش و کوشش به طرف خدا می روی، تا او را ملاقات کنی. مقصود از ملاقات خدا، دیدار در برزخ، ساهره قیامت – یا بهشت نیست؛ مقصود این است که انسان، مسافر درون است نه بیرون؛ یعنی سفر او زمینی و زمانی نیست، بلکه باید درون خود را بشکافد تا به خدا که «أَقْرَبُ إِلَيْنَا مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»^۲ است و همه جا با اوست: «مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ»^۳ برسد. مسافر درونی باید از دشمن درونی که بدترین دشمن است^۴ نجات پیدا کند:

^۱ - سوره انشقاق، آیه ۶.

^۲ - ر.ک سوره ق، آیه ۱۶ یعنی ما از رگ ریسمان گونه ای که در سراسر اندام های انسان گسترده است، به او نزدیک تریم.

^۳ - سوره حدید، آیه ۴. هر جا باشید او با شماست.

^۴ - تنبیه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۵۹؛ بحار الانوار، ج ۶۷ ص ۶۴ (اعدی عدوک نفسک الی بین جنبیک).

گرشود دشمن درونی نیست

باکی از دشمن برونی نیست.^۱

پس مومن باید تمام تلاش و کوشش خود را برای برطرف کردن حجا بها وموانع درونی به کار گیرد و به تعبیر قرآن کریم غبارها، رین ها، زنگارها، چرک ها را کنار بزند: «كَأَنَّ بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۲ تا چشم باطن او بیدار شود و ببیند. آری، برخی چشم دلشان کور است: «لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ»^۳ و باید با جراحی آن را بینا و بیدار کرد؛ اگر چشم دل آدمی باز باشد، می بیند؛ عده ای که در دنیا با شرایط خودشان و به اندازه خودشان خدا را مشاهده نکرده اند، بر اثر زنگاری است که گرفتار آن شده اند.

توشه سفر

مسافر برای سفر، توشه و وسیله می خواهد. سفر، بی زاد و راحله سخت است، با زاد و بی راحله هم دشوار، ولی سفر با زاد و راحله آسان است. توشه و زاد سفر را قرآن کریم تقوا دانسته است. «تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى»^۴ وسیله و راحله سفر درونی به عنوان راه های سفر، در بیان قرآن و اهل بیت «سلام الله علیها» که عدل قرآن اند مشخص شده است. برخی از این راه ها در اینجا یادآوری می شوند:

1- عبادات و رعایت حلال و حرام:

کسی که بیشتر نماز خوانده بیشتر روزه گرفته و بیشتر عبادت انجام داده و حلال و حرام خدا را بیشتر مراعات کرده، ثواب بیشتر به او می دهند و به تهیه وسایل سفر درونی پرداخته است.

1 - هفت اورنگ، جامی، دفتر اول، حکایت 35 .

2 - سوره مطففین، آیه 14 ، آیات قرآن افسانه نیست؛ بلکه گناهی که همواره انجام می دهند بر دل هایشان زنگار شده است، از این رو حق را نمی بینند.

3 - سوره حج آیه 46 .

4 - سوره بقره آیه 197 توشه برداری که بهترین توشه تقوا است.

2- سحر خیزی:

کسی که می خواهد به لقاء الله برود و مسافر پرتلاش به سوی خدا باشد، یاپیاده است یا سواره، پیاده روی بسیار سخت است! سفر آسان، مرکب راهوار می خواهد و سحر خیزی و نماز شب، طبق برهان قرآن کریم، مرکب راهور است: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا» سرش این است که سحر خیزی، باش رایت و حال و هوای خاص آن، نه مزاحم درونی دارد و نه مزاحم بیرونی:

کسی که از خواب بیدار می شود، با رفع خستگی برمی خیزد، پس دیگر مزاحم درونی ندارد؛ عوامل بیرونی هم در خواب اند، پس هیچ کس مزاحم او نیست. شاید به همین جهت است که وجود مبارک امام عسکری «ع» فرمود: «إِنَّ الْوَصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - سَفَرٌ يَدْرِكُ الْإِبَامَتَاءَ اللَّيْلِ»؛ راهیابی به پیشگاه الهی سفری است که جز با مرکب راهور (عبادت شبانه و نماز شب) به دست نمی آید.¹

3- معرفت الهی:

این راه، برای کسانی است که گام های برتری برداشتند و قدری جلوترند و مثل سلمان، مصداق «مَنْ أَهْلُ الْبَيْتِ»² هستند. با آن ها به گونه دیگر سخن گفتند: وقتی ذریح محاربی از وجود مبارک امام صادق «علیه السلام» نقل کرد که آیه «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ»³ به معنای «لقاء الإمام» (دیدار امام) است، عبدالله بن سنان به محضر آن حضرت رفت و از همین آیه پرسید؛ حضرت پاسخی دیگر داد و عبدالله بن سنان عرض کرد: شما برای ذریح محاربی آیه رابه «لقاء الإمام» تفسیر فرمودید؛ حضرت فرمود: بلهف چنین

¹ - یحار الانوار ج 75 ص 380. امتطاء باب افتعال است؛ یعنی «أَخَذَ الْمَطِيَّهَ» و مطیبه به مرکب راهوار گفته می شود.

² - عیون اخبار الرضا «ع» ج 2، ص 64 الاختصاص (شیخ مفید) ص 341.

³ - سوره حج آیه 29.

است؛ اما «ومن یحتمل ما یحتمل ذریح»^۱ یعنی چه کسی مثل ذریح است! اگر شاگردی به اندازه ذریح بفهمد، اسرار قرآن به او آموزش داده می شود.

این علم، از علوم ویژه و برای کسانی است که امتحان ویژه داده اند: «لَا یَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُّقَرَّبٌ أَوْ نَبِیٌّ مَّرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ إِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ»^۲

وگرنه درس های حوزوی و دانشگاهی فراوان اند. این علم، همان دانشی است که زائر در زیارت جامعه در حرم مطهر رضوی، یا دیگر معصومان «علیهم السلام» برای اینکه عالم برگردد، به معصوم عرض می کند من از راه دور آمدم که کمی از آن علوم ببرم: «و مُحْتَمِلٌ لَعَلْمِكُمْ»^۳

و شما فرمودید: حدیث ما، امر ما، علم ما صعب مستصعب است؛ علم ما را فقط انبیا و اولیای مومنان خالص می توانند حمل کنند؛ من آمدم که آن عبد امتحان داده باشم و علم شما را حمل کنم.

این علم وفهم در مرحله سوم سفر الی الله جای دارد. مرحله اول سفر، تحصیل زاد و مرحله دوم تحصیل راحله است؛ زاد و راحله را برای رسیدن به مقصد و مقصودش می خواهد تا او را ببیند و با وی گفت و گو کند. شناسایی مقصد و مقصود با این علم است که مرحله سوم است. از این پس نوبت گفت و گو ها و دعاهاست؛ مانند دعا های ماه رجب و شعبان و رمضان و...

در گفت و گو و درد دل می گویند: خدایا! من اول از دور صدایت می زنم و منادات دارم؛ سپس نزدیک می ایم و با تو مناجات دارم؛ آن گاه نوبت توسل؛ تو مناجات کن تا بشنوم. این سخنان در مراحل زاد و راحله نیست؛ بلکه مربوط به مرحله رسیدن به

۱ - الکافی، ج 4 ص 549 .

۲ - الامالی، صدوق، ص 4، کتاب الخصال، ج 2 ص 624 ، بحار الانوار ، ج 25 ص 95 ، در نقل خصال «قد امتحن» و در نقل بحار الانوار «عبد مومن» آمده است.

۳ - البلد الامین ص 301 ؛ مفاتیح الجنان ، «زیارت جامعه کبیره» چون دعا و زیارت، انشاست؛ لذا جمله «مُحْتَمِلٌ لَعَلْمِكُمْ» جمله خبریه است که به داعی انشاء القاء شده است؛ یعنی من آدم تا با سواد برگردم.

مقصد است. «لاحظته فصعق لجلالک فناجیته سرّاً»^۱ دعا‌های نورانی ماه رجب وشعبان و... آن مقصد را نشان می دهند؛ این ها در این سحرها و اعتکاف ها پیدا می شوند. وجود مبارک حضرت امام عصر «عج» هم پس از ظهور در پی به وجود آوردن این معرفت است. آن گرامی با رشد دادن عقلانیت مردم، جهان را اصلاح می کند؛ دستی به سرآنان می کشد: «فجمع بها عقولهم وکملت به أحلامهم»^۲؛ یعنی ذات اقدس الهی بی واسطه یا با واسطه (به واسطه آن حضرت) این کار را می کند. اداره کردن این جهان که همه شان عاقل اند آسان است؛ عاقلانی که 313 نفرشان شاگرد آن حضرت اند و صحابه ای مثل امام «ره» که گرد وجودش اند. اعتکاف برای ساختن این گونه افراد است.

توصیه اعتکاف

توصیه اعتکاف، فرشته گون شدن است. انسان در ایام اعتکاف، مهمان میزبانی است که فرمود: اگر می خواهی به من نزدیک شوی، باید فرشته گون باشی، یکی از اعمال اعتکاف، روزه داری است.

روزه، کاری الهی است و باید برای خدا و قربه الی الله باشد. فقهای بزرگی چون مرحوم صاحب جواهر در اول کتاب صوم و مرحوم آقاسید محمد کاظم یزدی در بحث صوم مستحب، فرمودند که در فضیلت روزه همین بس، که انسان با روزه داری شبیه فرشته می شود.^۳ اگر در حال روزه داری، انسان شبیه فرشته می شود، در اعتکاف به معتکف می گویند شب و روز فرشته باش، فرشته شدن، تربیت فرشته گونی یافتن است. حکیم سنایی می سراید:

^۱ اقبال الأعمال، ج 2 ص 687، مفاتیح الجنان، «مناجات شعبانیه».

^۲ - الکافی ج 1، ص 25؛ کمال الدین، ج 2 ص 675.

^۳ - جواهر الکلام، ج 16، ص 181؛ عروه الوثقی (سیدکاظم یزدی) ج 2، ص 241 این مطلب دقیق را، نخست صاحب جواهر مطرح کرده سپس سید در عروه آن را آورده است؛ ولی این بحث، بحث فقهی نیست.

تو فرشته شوی از جهد کنی از پی آنک

برگ توت است که گشتست به تدریج اطلس^۱

یعنی اگر بخواهی تربیت شوی، ابزا ردینی مهیاست.

بهترین پارچه ها و پرده های جهان طبیعت، پرنیان یعنی حریر است که کرم ابریشم از برگ توت می سازد؛ سخن سنایی این است اگر با تربیت یک برگ توت پرنیان می شود، انسان هم با تربیت می تواند فرشته شود.

برگ توتی که به زباله ها می رود، با دیدن استاد پرنیان می شود، پس چرا انسان فرشته نشود!

قرآن در وصف فرشته ها آنان را بندگان گرامی و فرمانبردار خدا معرفی کرده است: «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ»^۲ چنان که در زیارت جامعه در وصف اهل بیت «عليهم السلام» نیز همین گونه آمده است: «عباده المکرمین الذین لا یسبقونه بالقول وهم بأمره یعملون»^۳ فرشته گان و اهل «عليهم اسلام» الگوی بشرنده و دیگران به اوصاف آنان دعوت شده اند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۴

اگر در کتاب های فقهی آمده که صائم شبیه فرشته است. ریشه اش در روضه کافی آمده که از وجود مبارک پیغمبر «ص» نقل کرده است که صبح ها از شاگردان سوال می کردند که دیشب چه دیدی^۵ و می فرمود: کم بخورید سپس بخوابید تا رویا داشته باشید.^۶ خوابیدن برای آنان کلاس بود؛ پرسش روزانه حضرت از شاگردان که دیشب چه دیدی، بدین معناست که اگر بر حلالات الهی تان مداومت داشته باشید، فرشته ها

۱ - دیوان سنایی غزنوی، ص 308 قصیه 141 .

۲ - سوره انبیاء آیات 26-27 فرشتگان بندگانند که خدا آنان را گرامی داشته است. آنان در سخن گفتن بر او پیشی نمی گیرند و تنها به فرمان او کار می کنند.

۳ - البلد الأمین، ص 298 مفاتیح الجنان، «زیارت جامعه کبیره»

۴ - سوره احزاب، آیه 21 .

۵ - الکافی ج 8 ص 90 .

۶ - الکافی ج 8 ص 90 .

با شما مصافحه می کنند: «لصافحتکم الملائکه»^۱ آدمی می تواند به جایی برسد که در صحنه قیامت به او بگویند: «قِفْ تشفع»^۲ تشریف داشته باشید وعده ای را هم همراه ببرید. وقتی می توان به این مقام رسید، چرا کم بیاورد. این، در اعتکاف ها حاصل می شود؛ مخصوصاً برای نسل جوان که آماده پذیرش معارف اهل بیت هستند.

نتیجه مهم اعتکاف

دعاها، عبادت ها، اعتکاف ها سهم تعیین کننده ای در شست و شوی صحنه دل دارند. اگر چرک درونی و نفسانی، رین ها و غبارهای دل با این اعمال بطرف و جان آدمی شست و شو شوند، انسان به مقداری که در توران اوست، خدا را می شناسد و این شناخت، همان بار یابی به لقاء الله است که آدمی د رپی آن، راحتی حس می کند. مرحوم صدوق «ره» در این باره چنین نقل کرده است: ابوبصیر - که فرد نباینایی بود - به محضر مبارک امام صادق «ع» عرض کرد: آیا خدا را در قیامت می توان دید؟ حضرت فرمود: پیش از قیامت می توان دید؟ حضرت فرمود: پیش از قیامت دیدند. پس از لحظه تأمل ، فرمود: ابوبصیر، مگر هم اکنون خدا را نمی بینی؟! با عنایت امام صادق «ع» قلب ابوبصیر باز شد. اگر این گونه عنایت باشد، قلب گشوده می شود و انسان به اندازه خود خدا را می شناسد و همین شهود خداست.

پس می توان گفت که اعتکاف فرصت زرینی برای انسان است تا بتواند به درون خود سفر کند و راه خودش را بیابد و بیراهه نرود و راه کسی را نبندد. با آشنایی با وظیفه اش ، مشکلات معنوی خود را به مقداری که می توند حل کند. وقتی چنین شد، از چیزی نمی هراسد؛ هم دین خود را حفظ می کند و هم دین دیگران را. چنین انسانی اگر ب

^۱ - الکافی، ج ۲ ، ص ۴۲۴ .

^۲ - علل الشرائع، ج ۲ ، ۳۹۴ .

گوید «حدایا! تو را به عصمت زهرای اطهر «سلام الله علیها» خاورمیانه را نجات بده» دعایش مستجاب می شود. این مطالب، نتیجه مهم اعتکاف و برکات آن است.

خواسته های بایسته معتکف

برای روشن شدن این مطلب که از خدا چه چیز و چقدر بخواهیم ، توجه به چند نکته لازم است:

1- قدرت الهی بی حد و مرز و نامتناهی است.

2- کار او با اراده انجام می گیرد؛ نه با اعضا و جوارح: «فاعلٌ لا بمعنی ال حرکات.»¹

3- در کار او فرقی بین کم و بسیار نیست: انسان با اراده و تصورش می تواند قطره نیز اقیانوسی از آب را تصور کند و تصور هردو برای او آسان است. قرآن کریم دو نمونه از اسان تری و سخت ترین کارهای جهان را نام می برد و می فرماید:

هردو برای خدا سبحان اسان است: أ. کشیدن سایه شاخص که آسان ترین کار است و باروشن کردن چراغ پدید می آید و با برداشتن آن، سایه ای در کار نیست ، قرآن درباره آن می فرماید: «ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا»² یعنی به اسانی آن را برداشتیم و با نبودنش قبض و بسطی نیست؛ تا گسترش یا کاهش آن تفاوت کند، از این روبرداشتن اسان است. ب. به هم زدن و دوباره ساختن جهان که مهم ترین و سخت ترین کار است. اگر مجموعه نظام کیهانی به هم زده و دوباره بازسازی و اولین و آخرین، همه زنده شوند، از این کار دشوارتر فرض نمی شود. این کار دشوار را در آیات زیر چنین بیان فرمود: «أَوَلَا مَجْمُوعَةٌ نَّظَامٌ شَمْسِي رَخْتٌ بَرْمِي بَنَدَدُ: «يَوْمَ تَبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتُ»³ و ثانیاً همه را دوباره زنده می کنیم: «إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ» لَمَجْمُوعُونَ إِلَى

1 - نهج البلاغه ، خطبه 1 .

2 - سوره فرقان، آیه 46 کلمه «یسرا» در آیه به معنای «سهل» است نه تدریجاً.

3 - سوره ابراهیم، آیه 48 (و السَّمَاوَاتُ؛ یعنی تبدل السَّمَاوَاتُ غَيْرَ السَّمَاوَاتِ).

مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ»^۱ و ثالثاً این حشر اکبر وزنده کردن همگانی برای ما اسان است: «ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ»^۲ کلمه «یَسِيرٌ» چنان که در ایه مربوط به سایه شاخص به کار رفته بود، در اینجا هم به کار رفته است؛ یعنی بازسازی کل جهان برای خدا همانند کشیدن یک سایه شاخص است.

4- از طرف دیگر، ما پرورده اهل بیت و آنان ما را به همت والا فراخوانده اند. وجود مبارک پیامبر اکرم «ص» فرمود خدا نه تنها با همت های بلند درگیر نیست و مزاحمت و منع نمی کند، همت بلند را دوست می دارد و همت پست و نازل محبوب خدا نیست «إِنَّ اللَّهَ جَوَادٌّ يُحِبُّ الْجُودَ وَمَعَالي الْأُمُورِ وَ يَكْرَهُ السُّفَافَهَا»^۳ اگر کسی بگوید خدایا مرا بیمارز، این یک محدوده محبت است؛ چنانچه بگوید خدایا همه ایرانیان را بیمارز، این نیز حد و مرز دیگر محبت است؛ اگر بگوید خدایا همه شیعیان جهان را بیمارز و همه مسلمانان بیدار شده خاورمیانه را به مقصد برسان و همه ناآگاهان را آگاه کن، هریک از این ها حد و مرزی از محبت است. برای خدا برآوردن همه این محدوده ها تفاوتی ندارد. براساس این سخن پیامبر «ص» و دیگر مطالبی که آن گرامی و اهل بیت مطهرشان «سلام الله علیها» در این باره فرموده اند، باید دعاها و خواسته ها را توسعه و آن ذوات اقدس الهی عرضه می کنند و خدای سبحان هم می پذیرد.

مراتب خواسته ها

باتوجه به این نکته ها مناسب است معتکفان عزیز، به ویژه جوانان، خواسته هایشان را به دو صورت دنیایی و ملکوتی و رتبه بندی کنند، حاجت های دنیایی را به صورت های زیر بخواهند:

1- نیازهای شخصی را بطلبند این کف حاجت ماست.

^۱ - سوره واقعه، آیات 49 و 50 .

^۲ سوره ق، ایه 44 .

^۳ - الجعفریات (محمد بن محمد بن اشعث کوفی) ص 196 النوادر (رواندی) ص 7 .

2- نیازهای محلی و منطقه ای و نجات خاورمیانه و همسایگان را بخواهند که «ان شاء الله» به سعادت راه پیدا کنند؛ گویا دارند بدترین وزشت ترین گناهان را در آذربایجان (همسایه) به عنوان رژه نشان می دهند.

این مردم منتظر دعای معتکفان اند. ممکن است دل آدمی بخواهد با اسلحه، مشکلشان حل بشود ولی هیچ وقت چنین نبوده است. هرچند در شرایطی به اسلحه نیاز است، هیچ گاه با اسلحه جهان اداره نشده است. اینکه امام خمینی «ره» فرمود: خون برشمشیر پیروز است؛^۱ این بیان نورانی برای همیشه است. خون با دعا و ارتباط با خدا همراه است که آن اثر را دارد.

روزی ابوسفیانف وجود مبارک رسول گرامی «ص» را در مسجد دید و با خودش گفت چطور شد آنان پیروز شدند و ما شکست خوردیم؛ با اینکه ما سواره نظام و مسلح بودیم و سربازان ما بیشتر بودند و آنان با جمعیتی کم و پیاده نظام بودند: «لیت شعری بأی شیء غلبنی؟» وجود مبارک پیامبر «ص» از پشت رسید و دست مبارک را روی شانه نحس ابوسفیان گذاشت و فرمود به کمک خدا بر تو پیروز شدم «بالله غلبتک»^۲ پس دعا این همه کارایی دارد.^۳

3- نیازهای بین المللی را در نظر بگیرند و از خدای سبحان برآورده شدن آن ها و نجات همگانی جهان از انحراف اخلاقی و سیئات اخلاقی را درخواست کنند.

وقتی انجام دادن همه کارها برای خدا سبحان سهل است و او در برآوردن حاجت، بین کم و بسیار و حاجت فرد یا همگان، فرقی نمی گذارد، چرا حاجت جهانی را از او نخواهیم! در شرایط کنونی نیز جهان، به ویژه خاورمیانه، چشمش به نظام اسلامی ایران دوخته است، زیرا معرفت و اعتقاد به قرآن و عترت و پایبندی به آن دو، در اینجا است! اینجا است

^۱ - صحیفه امام «ره» ج ۱۷ ص ۱۳۸ .

^۲ - بغیه الباحث عن زوائد مسند الحارث، ص ۲۸۴ ؛ السیره الحلیه ج ۳ ص ۵۵ .

^۳ - مقصود این سخنان این است که درکنار تدبیر و تلاش و کوشش؛ حتی گاهی اسلحه، ارتباط با خدا و دعا نقش اساسی دارد، به ویژه دعای در اعتکاف.

که با اخلاص توانسته است جنگ ده ساله (دو ساله جنگ داخلی و هشت سال جنگ خارجی) را تحمل کند!

اینجاست که درعمل نشان داد گروه اندک می تواند بر گروه کثیر غلبه یابد «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلًا غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً»^۱

واینجاست که وعده انجام شده (وفا شده) الهی رابه جهان نشان داد و نشان می دهد ازاین ام القرای دینی توقع است که فکرش جهانی باشد و برای همه آنان دعا کنند. درخواست های ملکوتی رانیز در نظر بگیرند که لقای ذات اقدس الهی و اسمای حسنی اوست. این خواسته، برفراز خواسته های دنیایی و بالاتر از آن هاست ولذت واقعی، پس ازاین است: «مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حُلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا»^۲ چه کسی شیرینی محبت تو را چشیده، پس درپی جایگزین آن برآمد!

ممکن است به کسی که به فکر زاد و راحله باشد و نماز بیشتری خوانده و روزه بیشتری بگیرد، ثواب بیشتری به او بدهند و به جای ده غرفه، صد غرفه یا بیشتر به او پاداش بدهند؛ ولی او در «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»^۳ است و هرگز وی را «عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ» نمی برند. آدمی که بخش پایانی سوره مبارکه قمر «فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ»^۴ را درخواست می کند، آن یک چیز دیگر و آن با درک و معرفت است؛ بنابراین اعتکاف جای گفت و گو با خدا، مستمع خدا شدن، متکلم با خدا شدن و سخن او را شنیدن است و این بار فراوانی دارد.

^۱ ۰ سوره بقره آیه ۲۴۹ .

^۲ - بحار الانوار ج ۹۱ ص ۱۴۸ .

^۳ - سوره آل عمران، آیه ۱۵ .

^۴ - سوره قمر، آیه ۵۵ .